

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ مارچ ۲۰۱۸

از ویروس دروغ تا فرهنگ دروغ

پنجشنبه- ۱۷ حوت ۱۳۹۶ - کابل: وقتی خانه برگشتم و طبق معمول، عرق پایم خشک نشده رفتم سراغ تلویزیون و شنیدن اخبار، به هر چینی که سرزدم و به هر خبری که گوش دادم، همه از یک چیز صحبت داشتند، "روز زن و گرامیداشت آن". اگر نا مرد هائی چون "عبدالمود" بر روی سٹیژ بالا شدند و یا هم نازنهائی از قماش "سیما سمر" و یا "روغنی"، همه راجع به حقوق زن، آزادی زن و گرامیداشت از مقام زن حرف می زدند. شنیدن این همه خبر در مورد زن آنهم از دهن دشمنان تاریخی زنان، حالتی بین تهوع و انزجاری در من به وجود آورد که می بایست از جلو تلویزیون بر می خاستم و رنه ممکن بود آسیبی به آن وارد نمایم.

علت این حالت انزجار و تهوع شنیدن آنهمه دروغ از زبان زنان و مردانیست که ادعای رهنمائی جامعه را دارند، یعنی آنهائی که در دولت دست نشانده کاره ای هستند و روزانه با هر تصمیم شان، بند های اسارت و بردگی زنان را محکمتر می نمایند. نمی دانم این وجدان مرده ها وقتی به خانه می رسند از آنهمه دروغی که تحویل مردم می دهند، حد اقل نزد خانواده خودشان، نزد همسر و دختران خودشان چیزی به نام خجالت احساس می نمایند و یا آنقدر وجدان مرده اند که حتا در درون خانه و تنهائی نیز چیزی احساس نمی نمایند، در غیر آن چطور ممکن است، در نظامی که:

۱- از نخستین روز به وجود آمدنش، با پوشاندن سر زنان و تطبیق حجاب اجباری در تمام کشور، پرچم اسارت زنان را بر دوش خود آنها گذاشته، مسیح گونه آنها را طرف کشتارگاه می برند، به خود جرأت می دهند دم از آزادی زنان بزنند؟

۲- رژیم که با قبول فقه اسلامی- در هر قد و قامت مذهبی که باشد- و تطبیق در زندگانی اجتماعی انسانها، در عمل بر نصف نفوس جامعه ما حکم ناقص العقل و ضعیفه را رسمیت می بخشد و بدان وسیله سیطره عقب مانده ترین افکار قرون وسطائی را در زندگانی امروز تضمین می نماید، چطور به خود حق می دهد از تساوی حقوق بین زن و مرد حرف بزند؟

۳- رژیم که با قبول فقه اسلامی و موافقت اولیای زن را حین ازدواج به رسمیت شناختن زن قرن بیست و یکم افغانستان را از حقوقی که خدیجه در قرن هفت حین انتخاب همسرش داشت به عقبتر می کشاند، وقتی سردمداران چنین رژیمی جلو چشم صد ها و هزاران بیننده، باز از حقوق زن گلو پاره می کند، باید واقعاً شرف نداشته باشند و رنه در

گام اول، زنی را که بدون تمایل درونی خودش به خانه برده و به مثابه برده جنسی از آن لذت می برد، حق انتخاب می دهد. یعنی به وی حق و اجازه جدا شدن می دهد.

۴- رژیمی که با افرادی از قماش قصاب کابل، اولین تیزاب پاش در تاریخ معاصر افغانستان "گلابدین" به نام صلح، سرنوشت مردم ما من جمله زنان کشور را به معامله می گذارد،

۵- رژیمی که برای دوام قدرتش با طالبان، زن ستیز ترین نیرو تا اکنون در تاریخ افغانستان پای مصالحه رفته، و حتا حاضر می گردد تا بخش هائی از کشور را به آنها تسلیم نماید، یعنی اسارت و بردگی زنان را به اجراء بگذارد،

۶- رژیمی که مقامات و کارمندان بالا رتبه اش، از زنان مستمند و محتاج کمک، در ازای انجام کاری که می کنند، تمتع جنسی و سکس تقاضا دارند،

۷- رژیمی که در قلمرو آن زن هنوز هم سنگسار می گردد، شلاق می خورد، گوش و بینی بریده می شود، با تست بکارت به هویتش توهین می گردد،

۸- رژیمی که در به اصطلاح خانه های امنش، تجاوز جنسی بر زنان بیداد می کند،

۹- رژیمی که زن را در افغانستان به مثابه متاعی در آورده است که دارنده پول می تواند آن را خرید نماید و...

وقتی رهبران چنین رژیمی اعم از مردو یا زن آن، دم از آزادی زن، حقوق زن، تساوی حقوق زنان و امثال اینها می زنند، به جز آن که گفت، و بیروس دروغ همه گیر شده به فرهنگ دروغ تکامل یافته و وجدانها مرده است، چه می توان نوشت؟ کارنامه ۱۷ ساله دولت دست نشانده نشان می دهد کشور و جامعه ما را در تمام عرصه ها، با برنامه به سمت نابودی می کشاند، من جمله زنها را. اگر کسی خواسته باشد کاری برای نجات زنان انجام دهد، باید این را بداند تا پوزه امپریالیسم و ارتجاع را به خاک نمالیده، در این عرصه هم کاری انجام نخواهد داد.

دیده شود چه می شود!!